

در مورد برخی از مصادیق مهم بدزبانی و بدگویی سخن می‌گفتیم و اینکه حق زبان بر انسان این است که زبانش را از بدگویی حفظ کند؛ بزرگداشت زبان از سوی انسان به حفظ آن از بدزبانی و بدگویی است. گفتیم غیبت یکی از مصادیق مهم بدزبانی است؛ دروغ هم یکی از مصادیق مهم بدزبانی است. دروغ یک آثار دنیوی دارد و یک آثار اخروی؛ آثار اخروی باقی مانده که به طور خلاصه به یکی دو اثر اخروی دروغ اشاره می‌کنم.

آثار اخروی دروغ

دروغ به عنوان یک سیئه حتماً چهره‌ای حقیقی و واقعی و ملکوتی دارد، همانطور که اعمال حسنه انسان چهره واقعی و ملکوتی دارد. یعنی گناهان همواره در پس حجاب‌های دنیوی یک حقیقتی دارند که آن حقیقت تا زمان کنار رفتن این حجاب‌ها آشکار نمی‌شود و ما با چشم مادی نمی‌توانیم آن را ببینیم. بالاخره گناهی مثل دروغ یک حقیقت و واقعیتی است که در این عالم موجود می‌شود؛ کسی که دروغ می‌گوید، این دروغ‌گفتن به عنوان یک رفتار از سوی انسان خلق می‌شود؛ انسان وقتی دروغ می‌گوید یک چیزی را خلق می‌کند. وقتی راست می‌گوید یک چیزی را خلق می‌کند. اینطور نیست که با خودمان فکر کنیم که دو کلمه حرف زدیم و تمام شد و رفت؛ تمام گفتار و رفتار انسان که به آنها اعمال می‌گوییم، روز قیامت مجسم می‌شود. تجسم اعمال در واقع یعنی آشکار شدن چهره‌های ملکوتی و حقیقی اعمال انسان؛ هر عملی و هر رفتاری، چه خوب و چه بد، بالاخره به وسیله انسان خلق می‌شود؛ یک موجودی با ظلم من یا عدالت من، احسان یا ایذاء من، خلق می‌شود. ما چیزی نمی‌بینیم و فکر می‌کنیم که الان اینجا نشسته‌ایم و چند کلمه‌ای حرف می‌زنیم و یک حقی را ضایع می‌کنیم یا یک حقی را احقاق می‌کنیم و تمام شد و رفت. نه، این رفتارهای انسان ولیده‌هایی دارد که ما اینها را با توجه به مادیتی که در آن محصور هستیم، نمی‌بینیم. این موجودات با کنار رفتن حجاب‌های مادی، صورت خودشان و هویت خودشان را آشکار می‌کنند. دروغ یک چنین وضعی دارد. طبیعتاً این موجودات اینطور نیست که حالا یک چیزی جدای از انسان باشند؛ چسبیده به انسان هستند و اصلاً در خود انسان هستند. اینها که کنار می‌رود، آن حقیقت آشکار می‌شود.

۱. سیاهی چهره

دو اثر و ثمره‌ای که بر دروغ بار می‌شود، آن چهره واقعی دروغ را نشان می‌دهد، در اینجا ذکر می‌کنم. یکی سیاهی چهره است؛ رسول خدا(ص) می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ»،^۱ از دروغ بپرهیزید، چون دروغ وجه و صورت انسان را سیاه می‌کند. این مسلماً منظور صورت ظاهری و مادی نیست؛ چون چه بسا خیلی از دروغگوها چهره‌شان سیاه نیست و اینطور نیست که ظاهر آدم دروغگو با ظاهر آدم غیر دروغگو فرق کند. اینکه می‌گویند سیاه می‌شود، یعنی چهره حقیقی او سیاه می‌شود؛ یعنی اگر همین الان پرده کنار برود، این سیاهی آشکار می‌شود. چون همین الان خلق می‌شود و همین الان این سیئه اثرش را در او می‌گذارد و با کنار رفتن اینها، دامن‌گیر او می‌شود. یعنی وقتی از این عالم منتقل می‌شود، در برزخ این سیاهی آشکار می‌شود. این فقط مختص آن عالم نیست؛ همین الان هم اگر کسی بتواند این حجاب‌ها را کنار بزند، مثل ولی خدا و معصوم(ع) و پیامبر(ص) می‌تواند باطن چهره دروغگو را ببیند که این سیاهی هم همین الان هست؛ در عالم برزخ خود شخص

این توجه را پیدا می‌کند و در قیامت هم همگان می‌فهمند؛ چه بسا در برزخ هم عده‌ای متوجه شوند و این یک رسوایی بزرگی است که کسی در برابر دیدگان همه چهره‌اش به نحوی باشد که اصلاً دیده نشود. دروغ گفتن‌هایی که برای دیده شدن صورت گرفته، باعث می‌شود که اساساً دیده نشود؛ یا آنقدر کریه به نظر برسد که کسی میلی برای نگاه کردن به آن چهره نداشته باشد. این یک اثر اخروی است. اثر اخروی که می‌گوییم نه اینکه فقط برای روز قیامت باشد؛ اثر اخروی یعنی اثر ماورائی و غیردنیایی، که این هم در عالم برزخ و هم در عالم قیامت تمثیل پیدا می‌کند.

۲. بوی بسیار نامطبوع و تنفر و لعن ملائکه

دومین اثر، آن بوی بدی است که از دروغگو ساطع می‌شود به گونه‌ای که ملائکه خدا از آن متنفر هستند و او را لعن می‌کنند. رسول خدا(ص) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ إِذَا كَذَبَ بَغَيْرِ عَذْرِ لَعْنَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ خَرَجَ مِنْ قَلْبِهِ نَتْنٌ حَتَّى يَبْلُغَ الْعَرْشَ فَيُلْعَنُهُ حَمَلَةُ الْعَرْشِ»^۲ منظور از عذر در این روایت عذر موجه شرعی است که در مستثنیات آمده است؛ اینطور نیست که هر کسی برای خودش عذر بتراشد و بگوید که من عذر داشتم؛ اینها بهانه‌های غیرقابل قبول است. می‌فرماید همان لحظه‌ای که دروغ می‌گوید اگر بدون عذر باشد، هفتاد هزار ملک او را لعن می‌کنند؛ واقعاً دروغگویی این قدر مذموم است که در آن لحظه هفتاد هزار ملک او را لعن می‌کنند؟ شما حساب کنید که اینجا یک انسان اگر ما را لعن کند، چقدر برای ما سنگین است. تازه انسان یک موجود ناتوان است؛ اما هفتاد هزار ملکی که در درگاه الهی هستند، اینقدر تنفر پیدا می‌کنند که یک کسی را لعن کنند. و اینکه از درون او یک بوی گند و نامطبوعی ساطع می‌شود که تا عرش این بو می‌رسد. یعنی اینقدر این بوی نامطبوع به سرعت منتشر می‌شود. شما حساب کنید همین الان یک کسی که با او مواجه می‌شوید و اهل خوابیدن و گشتن در کنار خیابان است، یا بعضی از کسانی که مریض هستند، مثلاً یک مدتی که حمام نمی‌روند اصلاً از یک متری اینها که انسان عبور می‌کند یک بوی نامطبوع دارند که نمی‌توان تحمل کرد. شما حساب کنید این نامطبوعی و گندی بوی دروغگو آنقدر زیاد است که در فضای این عالم منتشر می‌شود و حمله عرش آنها را درک می‌کنند و می‌فهمند؛ به این جهت هم او را لعن می‌کنند.

بالاخره برای اینکه آثار مادی و معنوی دنیوی دروغ‌گریبان ما را در دنیا نگیرد، برای اینکه این آثار ماورائی دروغ و آثار اخروی دروغ در عالم برزخ و قیامت این چنین ما را رسوای بین مردم نکند و این چنین مردم و ملائکه خدا را از ما فراری ندهد، باید مراقبت کنیم. اینها همه به وسیله همین یک تکه گوشت انجام می‌شود؛ زبان را حفظ کنیم از دروغ، «فاكرامه عن الخنى»، حرمت زبان را پاس بداریم، پاسداشت حرمت زبان به این است که بند را بر او ببندیم و نگذاریم این چنین بی‌مهابا دروغ بگویید. دروغ این خاصیت را دارد، نه زیاد دروغ گفتن. خداوند ان‌شاءالله به ما توفیق صدق و راستگویی عنایت بفرماید.

«والحمد لله رب العالمين»